خب امروز که گذشت روز پنجم ماه شعبان نقلی هست که ولادت امام سید الشهداء علیه الصلاة و السلام نقلی هست که ولادت امام سید الشهداء علیه السلام در پنجم ماه شعبان هم نقل شده هم سوم شعبان هم پنجم شعبان اگرچه خب روز مشهور سوم شعبان هست بنابر نقلی هم روز ولادت امام سید الساجدین علیه السلام هم روز پنجم شعبان گفته اند بهرحال وسیله می‌شوند که اینگونه ایام عرض ادب بیشتری به ساحت اقدسشان بشود دیگه در سال سی و ششم هجری بوده متولد شده اند پنجم شعبان. سجاد از القابشان هست یعنی کثیر السجده بوده اند از امام باقر علیه السلام نقله که هر نعمتی از خدا به یاد می‌آوردند سجده می‌کردند هر بلایی که دفع میشد سجده می‌کردند و هر آیه ای که تلاوت می‌کردند سجده بود همون سجدۀ مستحبی سجده می‌کردند و هر گونه اصلاح ذات البینی میشد دو نفر با هم آشتی می‌کردند با وساطت حضرت سجده می‌کردند و هر کاری خیری انجام میشد سجده می‌کردند ولذا آثار سجده در تمام اعضایشان مشهود بود از امام باقر نقله که پدرم به من میفرمود وقتی من مریض شدم بیماری سختی بعد پدرم امام حسین علیه السلام به من فرمود که دلت چی می‌خواهد در اون بیماری سختی که بودم میفرمودند دلت چه می‌خواهد؟ میخواد که هیچ چیز بر خدا اقتراح نکنم یعنی پیشنهاد نکنم دلم میخواد بر خدا هیچ چیزی پیشنهاد نکنم یعنی نگم خدا این کار را برای من انجام بده پیشنهاد بدم فلان چیز را می‌خواهم فلان چیز برای من بشود فلان چیز نشود اقتراحی ندارم پیشنهادی ندارم تسلیمم در برابر او البته اقتراح ندارم نه اینکه دعا نمی‌کنم قبلا عرض شد که راضی بودن رضا داشتن تسلیم بودن با دعا منافاتی نداره دعا خودش یه باب عبادته یه باب مستقلیه خودش دعا عبادته خودش مطلوبه نه اینکه خودش طلبی باشد برای چیز دیگری چون خود دعا کردن حال دعا داشتن حال التجاء به درگاه خدا داشتن این لازم بندگیه بنده باید چنین باشد دیگه مخلوق است و این آویختۀ به خالقش است مستقل که نیست علی الدوام باید دست التجائش و اضطرارش به درگاه خدا دراز باشد این دعا حسابی نداره اقتراح نمی‌کنم پیشنهاد نمی‌کنم که فلان چیز برای من انجام بشود مثلا از خدا روزی می‌خواهم اما دیگه معین کنم از فلان جا روزی مرا برسان مثلا پیشنهادی ندارم اقتراح نمی‌کنم حالا یه جمله سعدی نقل می‌کند میگه که از عارفی پرسیدم که چه می‌خواهی؟گفت می‌خواهم که هیچ نخواهم اون می‌خواهم که هیچ نخواهم خوب حرفیه خب این هم ظاهرا گرفته شده از این حرفه یعنی هر چه حرف خوب در عالم داریم از آستان اقدس ولایت به ما رسیده است.اونها خوب بلدند حرف بزنند کَلَامُکُم نُور هر چه حرف خوب در عالم هست ریشه از اونجا گرفته جوامِعُ الکَلِم را اونها دارند.یه وقتی یک جمله ای خواندم از مأمون نقل شده بود خب این حرف خوبی بود از مأمون نقل شده بود که او گفته که رفیق سه جوره.یکی مانند غذاست انسان بهش محتاجه دیگه که همیشه انسان بهش محتاج است یکی مثل دواست انسان گاهی بهش محتاج میشه همیشه نیست یکی مثل درده هیچ وقت محتاج بهش نمیشه مبتلا بهش میشه بعضی رفیق ها اینجورن معاشر انسان می‌شوند اینجورند بعضی مثل غذا هست انسان بهش محتاجه واقعا نرسه به او مثل اینکه ناراحته جان می‌خواهد بدهد به آدمی که جان نرسه مرده است دیگه غذا نرسد خب این میمیره ولذا واقعا بعضی دوست ها و رفیق ها جوری هستند که لازمند آدم بهشان برسد نفس اونها به آدم برسه گفتارشان رفتارشان به انسان برسد اگر نرسد کم دارد و در حال هلاکته هَلَکَ مَن لَیسَ لَهُ حَکِیمٌ یُرشِدُه [[1]](#footnote-1) میرسد به اون احتیاج به اون داره و بعضی هم مثل دوا هستند گاهی آدم محتاج میشه آدم گاهی آدم محتاج به دارو میشه همیشه آدم محتاج به دوا نمیشه گاهی مثل درده آدم مبتلا میشه هر چقدر میخواد از چنگال اون نجات پیدا کنه نمیشه حالا اون حرف از مأمون نقل شده بود من پیش خودم گفتم این حرف به اون نمیخوره همچین حرفهایی رو اونها بلد نیستند بزنند بعد برخورد کردم دیدم از فرمایشات امام ابوالحسن الرضا علیه السلامه بعد مردم فکر می‌کنند مأمون گفته باشد اگر نقل درست باشه که او گفته باشه باز هم از آنجا گرفته یا وقتی بنده خودم در کلمات مرحوم فیض حالا یادم نیست در منهاج النجاة ایشان بود یا ذریعة النجاة یا منهاج الصالحین یادم نیست بهرحال در یکی از کتابشان دیدم که این جمله خیلی مجذوب شدم دربارۀ این جمله که إلهی لَولَا الواجِبُ مِن قَبُولِ أمرِک لَنَزَّهْتُکَ مِن ذِکرِی إیَّاکَ[[2]](#footnote-2) اگر نه این بود که امر فرموده ای یادت کنم تو را منزه از این میدانستم که من یادت کنم.یعنی من چه کاره ام که تو را یاد کنم؟فضای قلب من کمتر از اینه که به یاد تو بیفتم زبان من کمتر از اینه که به ذکر تو باشد خیلی خب کلام بزرگی بوده اولین بار من برخورد کردم در کتاب مرحوم فیض بود بعد بعد دیدم در مناجات خمس عشر امام سجاد علیه السلام هست یعنی مناجات ها اولش همینه که إلهی لَولَا الواجِبُ مِن قَبُولِ أمرِک لَنَزَّهْتُکَ مِن ذِکرِی إیَّاکَ عَلَی أَنَّ ذِکرِی لَکَ بِقَدرِی لَا بِقَدرِکَ خدای من اگر نبود امر تو به ما گفته ای اذکرونی اگر نگفته بودی می‌گفتم من کجا و تو کجا؟ أینَ التُّرَاب و رَبُّ الأرباب [[3]](#footnote-3) خاک کجا و ربُّ الارباب کجا که من بخواهم یاد تو کنم یا اسم تو را بر زبان جاری کنم تازه اگر هم بگویم به قدر خود گفته ام نه به قدر تو. نه اون چنان که تو هستی اون چنان که خود می‌فهمم گفته ام.خب این کلام به این خوبی هم ریشه گرفته از امام سید الساجدین علیه السلام ولذا ابن جوزی از علمای بزرگ اهل تسنن معروفه او دربارۀ امام سجاد علیه السلام داره که لَولَا الامام علیُّ بن الحسین علیه السلام اگر نبود امام سجاد علیه السلام ما نمی‌فهمیدیم که با خدا چجور صحبت کنیم چه بگوییم چطور عرض حاجت کنیم هَذَا الامام این امام علی ابن الحسین است که یاد ما داده ولذا لَهُ حقُّ التعلیم علی الأُمَّةِ الاسلامی او حق تعلیم دارد بر امت اسلامی از جهت دعا خب حالا او به اون کیفیت می‌شناسد در حالی که او امامة ولی الله را شاید نشناسد ولی از همین راه وارد شده همین صحیفۀ سجادیه دیده است گفته این کتاب ما را تعلیم کرده است.اگر نبود امام علی ابن الحسین علیه السلام ما بلد نبودیم با خدا چجوری حرف بزنیم چجور عرض حاجت کنیم او گفته اگر استغفار خواستید اینجور استغفار کنید اگر خواستید استسقاء کنید باران بطلبید اینجور بگویید اگر او نمی‌گفت ما بلد نبودیم.حالا بهرحال فرمود من مریض شدم پدرم از من پرسید چه می‌خواهی؟گفتم می‌خواهم بر خدا اقتراح نکنم دلم می‌خواهد چیزی بر خدا پیشنهاد نکنم بعد پدرم فرمود أَحسَنتَ ضاهَیتَ اِبراهیمَ الخَلیل صَلَواتُ اللهِ عَلیهِ[[4]](#footnote-4) در این کلام مشابه شدی به ابراهیم علیه السلام.زیرا او هم وقتی جبرئیل گفت چه حاجت داری گفت لا اَقتَرِحُ عَلی رَبّی بَل حَسبِیَ الله وَ نِعمَ الوَکِیلُ من خودم بر خدا چیزی اقتراح نمی‌کنم در حالی که او می‌داند من چه می‌خواهم.این هم باز هم عرض شد که در هفته های پیش این منافاتی با دعا ندارد نه اینکه حضرت ابراهیم گفته دعا نمی‌کنم دعا نمی‌کنم غیر پیشنهاد کردنه او که حالش همش دعا بود در حال دعا بود خود اضطرار بنده در حال دعاست دیگه بیچارگی مسکنت این خودش دعاست اون کسی که دارد به دهانۀ مرگ می‌رود او معلومه که در حال التجائه اضطراره دیگه این شکی درش نیست در حال دعاست منتهی اقتراح نمی‌کنم.پیشنهاد به خدا نمی‌کنم این کار را بکن برای من ولذا عِلمُهُ بِحَالِی حَسبِی عَن مَقَالِی به زبان آوردن دعا که همش به زبان آوردن که نیست به تلفظ کردن نه درسته غالبا ما دعایمان قرائته دعا نیست خواندنه ما دعا را می‌خوانیم این گفتۀ مرحوم ملکی تبریزی رضوان الله تعالی علیه ایشان می‌گویند که غالبا در دعاها قاری هستیم بفرمودۀ ایشان در دعاها قاری هستیم داعی نیستیم طلب نمی‎کنیم حال طلب در ما نیست دعا حال طلبه به لفظ آمدن که نیست جناب ابراهیم علیه السلام در حال طلب بود روشن ترین حال طلب همون بود دیگه حال طلب بود تلفظ نمیخواد که حالا من حتما به زمان بیاورم مَقال نمیخواد حال هست دعای حالی بهتر از دعای قالیه.این که فرمود عِلمُهُ بِحَالِی حَسبِی عَن مَقَالِی نه اینکه دعا نمی‌کنم که دعا لازمۀ مخلوقه نمیشه که از دعا منفک باشه قافله ها هستند که از دعا منفکند ذاکرها که همیشه در حال دعا هستند در حال غفلته غفلت انسان پشت به خدا کرده و حالی هم نداره بعد ممکنه آدم تلفظ بکند اما حالی نداشته باشد ما غالبا دعای کمیل می‌خوانیم اما حال دعا در ما نیست دعای ابوحمزه را از اول تا آخر می‌خوانیم چرت هم می‌زنیم این که دعا نیست حال طلب نداره تلفظ می‌کنیم پس بهرحال مسئله ای که اقتراح نمی‌کنم پیشنهاد نمی‌کنم مطلبیه دعا باید باشه هیچ وقت نمی‌شود استکبار میشه اون کسی که از دعا اعراض کند مستکبره ادعُونِی أَستَجِب لَکُم إنَّ الَّذِینَ یَستَکبِرونَ عَن عِبَادتِی سَیَدخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ [[5]](#footnote-5)1 این نمیشه قُل مَا یَعبَأُ بِکُم رَبِّی لَو لَا دُعَاؤُکُم [[6]](#footnote-6)2 اگر حال دعا نداشته باشید که خدا به شما اعتنایی نمیکنه پس ممکن نیست ولی خدا مثل ابراهیم خلیل علیه السلام حال دعا نداشته باشه این تصورش درست نیست ولذا اینجا هم امام سجاد علیه السلام فرمود که من پیشنهاد نمی‌کنم به خدا و امام حسین علیه السلام فرمود أَحسَنتَ ضاهَیتَ اِبراهیمَ الخَلیل اینجا مشابه ابراهیم خلیل شدی در اونجا که جبرئیل گفت حاجتی داری خب عِلمُهُ بِحَالِی حَسبِی عَن مَقَالِی لا اَقتَرِحُ عَلی رَبّی بَل حَسبِیَ الله وَ نِعمَ الوَکِیلُ من چیزی را به خدایم پیشنهاد نمی‌کنم از این جمله هم یه درسی می‌گیریم برای اینکه انبیاء را تجلیل باید کرد اینجا امام حسین علیه السلام تجلیل کرده از مقام ابراهیم علیه السلام به فرزندش امام سجاد علیه السلالم فرموده أَحسَنتَ ضاهَیتَ اِبراهیمَ الخَلیل مشابه شدی به ابراهیم خلیل علیه السلام یعنی حرمت انبیاء را نگه داریم ما مثلا گاهی اوقات داریم هتک می‌کنند حرمت انبیاء را گاهی مثلا حضرت عیسی علیه السلام نوکر حضرت علی علیه السلامه یا حضرت مریم کنیز حضرت زهرا سلام الله علیها این تعبیرات مناسبی نیست.افضلیت ما قائلیم اما افضلیت غیر این تعبیرات هتک آمیزه چهارده معصومین افضل از همۀ انبیاء و مرسلین هستند شکی درش نیست ولی در عین حال تعبیرات باید تعبیرات خیلی مودبانه باشه خب مقامشان خیلی فوق العاده است انبیاء علیهم السلام نمیشه تعبیر تعبیر خیلی سبکی باشه خودشان حتما راضی نیستند حضرت امیر علیه السلام راضیه مثلا؟حضرت عیسی نوکر شماست مثلا میگه آفرین به شما یا توو دهنی به آدم میزنه؟از این حرفها نزنید.تعبیرات تعبیرات درستی نیست مقام افضلیت شکی درش نیست و تعبیر خلاف ادبه مثلا یادم هست در مجلسی حضرت آیت الله خوانساری رضوان الله تعالی علیه در مجلسی بودیم ظاهرا شب بیستم جمادی بود بعد یکی از اون مداح ها بعضی از اونها یه قدری مراعات نمی‌کنند حدود را یکی از اون مداح ها میخواند شب عید بود و از همین الفاظ ها می‌خواند حضرت عیسی نوکر حضرت امیر علیه السلام هست و حضرت مریم کنیز است برای حضرت زهرا از این حرفها ایشان ناراحت شدند آقای خوانساری کنارشان نشسته بودم به من فرمودند که به ایشان بگید اینطور تعبیر نکنند بعد وقتی که تمام شد صدا زدم اون آقا را گفتم که آقا می‌فرمایند از این تعبیرات نکنید گفت که شما خودتان فرمودید که علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل چطور ما نگیم؟ناراحت شد گفت لا اله الا الله مسئلۀ افضل بودن علماء امتی به غالبا به ائمه علیهم السلام توجیه میشه و تازه افضل بودن چه ربطی به این تعبیرات داره؟درسته افضل شکی درش نیست اما خودشان اجازه می‌دهند اینجور تعبیرات بشه؟خب هتک حرمت میشه اینجا امام حسین علیه السلام با اینکه می‌دانیم افضل اما اینجا ضاهَیتَ اِبراهیمَ الخَلیل در این گفتار مشابه شدی به ابراهیم خلیل شبیه ابراهیم خلیل سخن گفتی در یکی از مناقب ابن شهر آشوب نقل می‌کند که یکی از دختران امیر المومنین علیه السلام به جابر ابن عبد الله انصاری فرمود که شما از اصحاب پیغمبر اکرمید ما حقی بر شما داریم این برادر زادۀ ما امام سجاد را برادر زادۀ ما خیلی به خودش فشار آورده و در امر عبادت و شب زنده داری و روزه داری و اینها خیلی ضعیف و نهیف شده بطوری که گاهی باد می‎‌وزد مثل شاخۀ ریحان بدنش متمایل میشه به این سمت و آن سمت.از شما قبول می‌کنند پیرمردی هستید و از اصحاب پیغمبر اکرمید بهشان تذکر بدید یه قدری خودشان را به سختی نیفکنند من هم شرفیاب شدم به محضرشان در حال عبادت بودند صبر کردم نشستم تا فرصتی شد سلام کردم و بعد اظهار محبت و ملاطفت فرمودند بعد من گفتم بهشت برای شما خلق شده و همۀ رحمات و برکات خدا به برکت شما به مردم می‌رسد شما چرا انقدر خودتان را به زحمت می‌افکنید و بعد فرمود که جدم رسول الله انقدر عبادت کرد که پاهایش ورم کرد بعد وفتی گفتند که شما انقدر بهشت که مال شماست فرمود درسته أفَلَا أکُونَ عَبداً شَکُوراً[[7]](#footnote-7)1 آیا نباید بندۀ شاکری باشم؟ اما حساب فقط این نیست که جهنم نروم بهشت بروم أفَلَا أکُونَ عَبداً شَکُوراً باید بندۀ شاکر پیش خدا باشم.بعد تغییر لحن دادم گفتم وجود شما برای عالم لازمه باید وجود شما مصون و محفوظ بماند تا برکت به عالم و آدم برسه بعد صدا زدند امام باقر علیه السلام فرزند خودشان را فرمودند اون کتابی که اعمال شبانه روزی جدم امیر المومنین علیه السلام دارند بیار او را آوردند نگاهی کردند بعد فرمودند که می‌تواند به پای جدم برسد در عبادت؟یعنی عبادت من کجا و عبادت علی کجا؟شما خیال می‌کنید که من عبادت زیاد می‌کنم نمی‌رسم به پای عبادت جدم امیرالمومینن.خب کی می‌تواند به پای عبادت علی امیر برسد؟یعنی شما کار نداشته باشید حساب ما و بین خدا حساب دیگری ست و بهرحال یک چند جمله از مواعظشان هست که می‌فرمایند کسی سوال کرد مَن أعظَمُ النَّاس خطراً[[8]](#footnote-8)1؟ با ارزش ترین اشخاص کیه؟اونی که با شخصیت ترین افراد مَن لَم یر الدُّنیا خطرا لنفسه اون کسی که دنیا را برای خودش شأنی نداند دنیا را شأن خودش نداند جامۀ زیبا دارم انگشتر زیبا دارم قامت رعنا دارم مثلا مقامی بالا و بالا دارم منصب دارم اینها شخصیت نیست کسی اینها را بخواد شأن خودش بداند وقتی به اینها رسید خود بگیرد مثلا من آنم که چنین ام این آدم نیست یعنی این انسانی نیست که ارزشمند باشه مَن أعظَمُ النَّاس خطراً کیست که با ارزش ترین با شخصیت ترین افراد مَن لَم یر الدُّنیا خطرا لنفسه اون کسی که واقعا دنیا را انقدر ارزش قائل نشود که به من رسیده من ارزشمند شده ام به خاطر این غالبا ما اینجور هستیم دیگه گرفتار این هستیم خانۀ من چنینه مرکب من چنینه لباس من چنینه مقام من چنینه پست من چنینه همش مال من خود من چه کاره ام؟هیچی معلوم نیست که خود من چه کاره است؟خانۀ من زیباست فرش من پرده های من مقام من خیلی بالاست مثلا خود من چه کاره ام؟خود من عِندَ الله هیچی بی ارزش باشه پناه بر خدا که آدم این اضافاتش خوب بشه اما خودش در این وسط گم شده باشه مَن أعظَمُ النَّاس خطراً مَن لَم یر الدُّنیا خطرا لنفسه خَطِر یعنی ارزش.ارزشمند ترین اشخاص اونی ست که برای دنیا ارزشی قائل نشود مَن قَنَعَ بِمَا قَسَمَ الله لَه فَهُوَ مَن أغنی النّاس [[9]](#footnote-9)2اون کسی که قانع باشد به همون چیزی که خدا بهش داده است شرف در ذات خودش هست به اضافات مربوط نیست اون کسی که عشیره ای ندارد کسی پدر و مادرش را نمی‌شناسد نه قبیله اش را می‌شناسند نه مقام و منصبی دارد ولی عزت در میان مردم داره به هیچ کسی مربوط نیست نه به قبیله اش مربوطه نه به پدر و مادرش نه به مقام و منصبش مربوطه به خودش مربوطه. مَن قَنَعَ بِمَا قَسَمَ الله لَه فَهُوَ مَن أغنی النّاس بی نیاز ترین مردم همان است به همونی که خدا به او عنایتی که به او دارد داده است قانع باشه. طَلَبُ الحَوائِجِ إلی الناس مَذَلَّةٌ للحیاةِ[[10]](#footnote-10)3 عرض حاجت پیش بندگان خدا ذلت در زندگی و استخفاء می‌آورد اون وقار انسانی را را سبک می‌کند وَ هُوَ الفَقرُ الحاضِرُ این فقر موجوده دیگه از آینده نکند که فردا فقیر بشوند امروز ذلیل می‌کند خودش را.نکند که فردا فقیر بشه همین الان دارد فقرش را اظهار می‌کند الان فقیره وَ هُوَ الفَقرُ الحاضِرُ اون کسی قانع شد به اونچه که خدا عنایت کرده الان غنای موجود داره الان غنی موجوده هیچوقت بخاطر اینکه آینده اینجور باشه احساسش رو الان نمیکنه.فرمود کسی که امنیت و سلامت بدن دارد امنیت محیط زندگی هم دارد قوت شبانه روزش رو هم دارد همه چیز دنیا را دارد یک قوت شبانه اش را داره امنیت هم داره بدنش هم سالمه دنیایش را دارد دیگه دنیایش همینه معلوم نیست فردا زنده باشه که حالا غصۀ فرداش رو میخوره.معلوم نیست زنده باشه یا مرده باشه اگر بنا بود عمر فردا را هم دادن رزق فردا را هم می‌دهند اون کسی که عمر فردا را می‌دهد رزق فردا را هم می‌دهد خب حالا که میگیم بدنی سالم دارم محیط امن دارم قوت امشب هم دارم دنیا را فعلا دارم دیگه حالا اگر فردا جنازه اش از بستر آمد بیرون راحته دیگه چهارمی ایمانه فرمودند این سه تا را داشته باشه ایمان هم داشته باشه دیگه نورٌ علی نوره یعنی تمام اون چه که لازم است دارد سلامت بدن داشته باشه امنیت در محیط زندگی داشته باشه و قوت شبانه روزی اش هم هست ایمان هم داشته باشه او کمالش کامل است.

پروردگارا به حرمت امام سید الساجدین علیه السلام ما را از معارف قرآن و سنت برخوردار بگردان

قلبهای ما را به نور ایمان و یقین منور بفرما

برکات معنوی را خدایا در این ماه بر ما نازل بفرما

ما را از رحمات و برکات خودت در این ماه محروم نگردان

مریض های ما را لباس عافیت بپوشان

گذشتگان ما را غریق رحمت بگردان

حسن عاقبت به همۀ ما عنایت بفرما

رحم الله من قرء الفاتحة مع الصلوات

1. . بحار الانوار، ج 75، ص 159 [↑](#footnote-ref-1)
2. . صحیفة السجادیه، ص 418 [↑](#footnote-ref-2)
3. . اسرار الحکم، ص 23 [↑](#footnote-ref-3)
4. . بحار الانوار، ج 46، ص 67 [↑](#footnote-ref-4)
5. 1. سورۀ غافر، آیۀ 60 [↑](#footnote-ref-5)
6. 2. سورۀ فرقان، آیۀ 77 [↑](#footnote-ref-6)
7. 1. الکافی، ج2، ص 95 [↑](#footnote-ref-7)
8. 1.تحف العقول، ج1، ص 278 [↑](#footnote-ref-8)
9. 2.بحار الانوار، ج 75، ص 158 [↑](#footnote-ref-9)
10. 3. تحف العقول، ص 279 [↑](#footnote-ref-10)